

خبر

طرح‌های جدید

برای بیرون کشیدن معدنچیان کرمانی

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان کرمان از ارائه طرح‌های نوینی در مورد نجات سه معدنچی گرفتار در عمق ۶۰۰ متری خبر داد. محمودی در گفت‌وگو با ایسنادرباره آخرین وضعیت سه معدنچی گرفتار در معدن زغال‌سنگ راور گفت:صبح دیروز تیم‌های تخصصی امداد و نجات وزارت صنایع به محل حادثه اعزام شدند و طرح‌های نوینی در مورد نجات سه معدنچی گرفتار در عمق ۶۰۰ متری ارائه دادند که به نظر می‌رسد به زودی این سه معدنچی از دل خروارها زغال‌سنگ خارج شوند.
بنابر این گزارش ۲۲ آذرماه سال جاری چهار معدنچی در اثر ریزش زغال‌سنگ در عمق ۶۰۰ متری معدن زغال‌سنگ «راور» در استان کرمان گرفتار شدند که پس از گذشت دو روز امدادگران جسد یکی از این معدنچیان را خارج کردند، اما همچنان تلاش‌ها برای نجات جان سه معدنچی گرفتار ادامه دارد.
هنوز مرگ سه کارگر مسجل نشده اما احتمال زنده بودن آنها بسیار ضعیف است.

❏

افشای اسرار قتل زن و مرد معنادر یک باغ گروه حوادث: مردی بعد از اینکه فهمید برادرش معتاد شده است به باغی که او در آنجا مواد مصرف می کرد رفت و وی و زنی جوان را به قتل رساند. کار آگاهان جنایی دماوند اوایل ماه جاری از طریق گزارش‌های مردمی در جریان کشف اجساد یک زن و مرد در باغی در روستای مهرآباد رودهن قرار گرفتند و به تحقیق در این خصوص پرداختند.چند روز بعد فردی به نام کامران یا مراحجه به پلیس دماوند از مفقود شدن برادرش به نام «پهرام» خبر داد. کار آگاهان با شنیدن اظهارات این شخص پی بردند جسد کشف‌شده در باغ متعلق به پهرام است، بنابراین بازجویی‌ها را از «کامران» ادامه دادند و در نهایت متوجه تناقض گویی‌های او شدند و در خودرو وی لکهای شبیه خون مشاهده شد. متخصصان با نمونه‌برداری از آثار کشف‌شده و انجام آزمایش‌های لازم اعلام کردند لکه خون متعلق به پهرام است. «کامران» در اعترافات خود گفت: «روز حادثه با برادرم در باغی که اجساد در آن کشف‌شده قرار ملاقات داشتم و با حضور در آن مکان مشاهده کردم «پهرام» بازن ناشناسی در حال استعمال مواد مخدر است. ناگهان برادرم با چاقویی که در جیب داشت به من حمله‌ور شد و من نیز به وسیله یک قبضه کارد آشپزخانه که روی زمین افتاده بود با وی درگیر شدم و چندین ضربه به شکمش وارد کردم. در همین حین زن ناشناس به سویم حمله کرد و من با همان کارد چند ضربه نیز به وی زدم و وقتی به زمین افتاد با چند ضربه دیگر او را به قتل رساندم و برای نجات جان برادرم او را سوار خودرو کردم و قصد داشتم برای مداوا به مراکز درمانی انتقال دهم که او نیز بر اثر شدت جراحات وارد جان داد. سپس با رها کردن اجساد در همان باغ برای گمراه کردن مأموران با مراحجه به پلیس خبر گم شدن برادرم را به آنها اعلام کردم.»

گروه حوادث، امیررجبی: نخستین قاتل زن سرپالی
ایران که در قزوین پنج زن و یک مرد را به قتل رسانده بود، امروز در زندان به دار آویخته می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما این زن که مهین غدیری نام دارد، اردیبهشت سال ۸۸ دستگیر شد. او در بازجویی اعتراف کرد پنج زن مسن را با آبمیوه مسموم نیمه‌جان و سپس آنها را خفه کرد. این زن ۳۳ساله اولین قتل را در سال ۸۵ انجام داد البته قربانی او یک پیرمرد به نام عزت بود. متهم بعد از دستگیری ادعا کرد پیرمرد صاحبخانه قصد داشت به وی تعرض کند به همین دلیل نیز دست به جنایت زد. این ادعا در حالی مطرح شد که شواهد از وجود انگیزه مالی در این قتل حکایت داشت چرا که مهین و شوهرش به مقتول بدهکار بودند ضمن اینکه قاتل بعد از اجرای نقشه‌اش دو میلیون تومان نیز از عزت سرقت کرد. زن جوان پس از آن دیگر جنایتی انجام نداد تا اینکه دو سال بعد تصمیم گرفت کشتارهای سرپالی را کلید بزند. او حدود چهار میلیون تومان بدهکار بود و طلبکارانش حکم جلب وی را در دست داشتند، از طرفی شوهر وی به‌رغم اینکه راننده کامیون بود با داشتن یک دختر هفت‌ساله معلول و دختری ۱۷ساله نمی‌توانست نیازهای مالی خانواده را برآورده کند. مهین سرانجام به این صراحت افتاد که با قتل زنان مسسن طلا و جواهرات آنان را به بغما برد. او ۱۵ بهمن سال ۸۷ اولین طعمه‌اش

گروه حوادث: سرایدار پاسازی که با فروشنده‌های یک مغازه مانتوفروشی دچار اختلاف شده بود انتقامش را از صاحب مغازه گرفت و آنجا را به آتش کشید.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۸:۱۵ روز ۱۷ آذرماه صدای آژیر خودروهای آتش‌نشانی خیابان ولیعصر را پسر کرد و آتش‌نشانان که از وقوع حریقی در مغازه مانتوفروشی واقع در یک مجتمع تجاری با خبر شده بودند مشغول اطفای حریق شدند. شعله‌های آتش از مانتوفروشی زبانه می‌کشید و دود ناشی از سوختن مانتوها محوطه پاساز را احاطه کرده بود. با گذشت دقایقی از حضور آتش‌نشانان حریق به طور کامل اطفا شد و کارشناسان بررسی‌های خود را برای مشخص شدن منشأ این حریق آغاز کردند. تجسس در این باره نشان داد هیچ دلیل منطقی برای آتش‌سوزی وجود ندارد و به احتمال زیاد حریق عمدی است. به این ترتیب افسران اداره شانزدهم پلیس آگاهی رسیدگی به این حادثه را بر عهده گرفتند و تحقیقات خود را برای یافتن عامل آتش‌سوزی در مانتوفروشی آغاز کردند. از آنجا که این مغازه به دوربین مداربسته مجهز بود مأموران در نخستین گام تصاویری را که دوربین‌ها هنگام وقوع حریق ضبط کرده بودند بازبینی کردند. این فیلم زنی را نشان می‌داد

حوادث

امروز؛ اعدام نخستین قاتل زن سرپالی در ایران



را شکار کرد. مهین بعد از پیدا کردن زنی مسن با این بهانه که وی شبیه به مادرش است، اعتماد او را جلب و پیرزن را سوار خودرو رنوی کرم‌رنگش کرد. مهین بعد از دستگیری درباره قتل این زن گفت: «او را با آبمیوه

❏

اعتراف زن انتقامجو به آتش‌افروزی در مانتوفروشی

به بدن آنکه فروشنده‌های مانتوفروشی متوجه شوند وارد مغازه شده و با به آتش کشیدن یک مانتو آن را روی سایر مانتوها انداخته و متواری شده است. وقتی تصویر این زن به صاحب مغازه و همکارانش نشان داده شد آنها مظنون پرونده را شناسایی کردند و گفتند او سرایدار مجتمع تجاری است. به این ترتیب این زن ۵۰هساله به نام مریم بازداشت شد.

شاکی به مأموران گفت: وقتی فهمیدم مغازه‌ما دچار آتش‌سوزی شده است، فوراً خودم را به آنجا رساندم. شعله‌های آتش همه جا را گرفته بود. وقتی آتش به طور کامل مهار شد، آتش‌نشانان اعلام کردند آتش‌سوزی مغازه‌ام عمدی است. همه اجناسم از بین رفته بود و خسارت زیادی را متحمل شده بودم. این مرد درباره زنی که مغازه‌اش را به آتش کشیده بود نیز گفت: پس از خاموش شدن آتش و در حالی که مقداری از دود و گاز‌های حاصل از آتش‌سوزی کمتر شده بود به اتفاق مأموران وارد فروشگاه شدیم و مشاهده کردم که کلیه اموال و لباس‌های موجود در مغازه به طور کامل از

سرپالی بودن جنایت‌ها پی برده بودند در محل رها شدن اجساد رد لاستیک رنو مشاهده کرده و از سویی یک شاهد گفته بود مقتول را هنگام سوار شدن بر رنویی کرم‌رنگ دیده بود، به این ترتیب همه رنوهای کرم‌رنگ قزوین شناسایی شدند و با تهیه فهرستی از مظنونان احتمالی نام مهین در صدر لیست قرار گرفت و او به اداره آگاهی انتقال یافت. این زن بعد از یک روز سکوت به کشتن پنج زن میانسال و همچنین قتل صاحبخانه سابقش اقرار کرد و گفت: «من اول هر ماه قمری قتل‌ها را انجام می‌دادم چون در این روزها معمولاً زنان بیشتری به بقعه چهار انبیا می‌روند من هم در آنجا زنان مسنی را که طلا و جواهر همراه داشتند شناسایی می‌کردم و در خودروام قتل را انجام می‌دادم.» این زن همچنین توضیح داد از هر قتل مبلغ ۶۰۰ هزار تا یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان به دست می‌آورد و همه این پول را به طلبکارش می‌داد. او سرانجام در دادگاه کیفری استان قزوین محاکمه شد و به شش بار قصاص نفس، ۲۴ ماه حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و همچنین رد مال و وجوه مسروقه محکوم شد و این حکم به تأیید دیوان‌عالی کشور رسید. بنا به اخبار رسیده قرار است مهین صبح امروز در زندان قزوین پای چوبه دار برود. به این ترتیب پرونده نخستین قاتل زن سرپالی در ایران در حالی بسته می‌شود که او هرگز اجازه نداد هیچ عکاسی از چهره‌اش عکس بگیرد.

فروشنده یکی از مغازه‌های مجتمع درگیری لفظی پیدا کرد. در همین لحظه ناگهان چند نفر از فروشندگان مغازه مانتوفروشی با دخالت بی‌موردشان، من را به عنوان مقصر اصلی درگیری معرفی کردند. قضاوت آنها ناعادلانه بود و حرف‌هایشان من را به شدت عصبانی کرده بود. نمی‌دانستم باید چگونه بی‌گناهی‌ام را ثابت کنم. آن لحظه در اوج عصبانیت تصمیم گرفتم این کار فروشندگان مانتوفروشی را تلافی کنم و از آنها انتقام بگیرم. برای همین چند ساعت بعد بدون آنکه کسی متوجه شود داخل مانتوفروشی رفتم و خودم را به یکی از قفسه‌های انتهای مغازه رساندم. می‌خواستم با آتش زدن چند مانتو کاری کنم که خسارت مانتوها به گردن فروشنده‌ها بیفتد و آنها مجبور شوند خسارت مانتوهای سوخته را پرداخت کنند، اما فکر نمی‌کردم این کار باعث شود همه مغازه به آتش کشیده شود.

سرهنگ حمیدرضا یاراحمدی جانشین پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام جزئیات این پرونده گفت: با تکمیل تحقیقات و اعترافات صریح متهم، از آنجا که همه مدارک علیه او است، به دستور بازپرس پرونده هم‌اکنون وی در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

حادثه‌ها

دو پسر عمو راننده مسافر کش را با انگیزه سرقت کشتند

گروه حوادث: دو پسرعمو که متهم هستند برای سرقت یک اتومبیل راننده آن را به قتل رسانده‌اند شش سال بعد از قتل محاکمه و به قصاص و حبس محکوم شدند. به گزارش خبرنگار ما، این دو پسرعمو شش سال قبل به اتهام قتل یک راننده مسافرکش بازداشت شدند و دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفتند.

در ابتدای جلسه محاکمه نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و گفت: خرداد سال ۸۳ خانواده مردی به نام حمید خبر دادند وی دو روز است که از خانه خارج شده و بازنگشته است. با توجه به این شکایت تحقیقات برای مشخص شدن سرنوشت مرد جوان آغاز شد. مأموران در بررسی‌های خود به فردی که سابقه مالخری داشت مشکوک شدند و وقتی خانه او را مورد تجسس قرار دادند متوجه شدند ماشین به مقتول در منزل اوست. این مرد گفت ماشین را از دو پسر عمو به نام‌های هوشنگ و منوچهر خریداری کرده است. نماینده دادستان تهران ادامه داد: متهمان بارها در اداره آگاهی به قتل اعتراف کردند اما نزد بازپرس منکر شده‌اند البته ادله موجود در پرونده نشان می‌دهد این افراد مرتکب قتل حمید شده‌اند و انگیزه آنها سرقت خودرواش بوده است. وی گفت: پیش از این دو بار بر تحقیقات نقض وارد شد که هر دو بار دادسرا آن را برطرف کرد و دادستانی همچنان بر نظر خود مبنی بر اینکه متهمان مرتکب قتل شده‌اند باقی است و من به عنوان نماینده دادستان در خواست صدور حکم قانونی در این خصوص را دارم. سپس اولیای دم در جایگاه حاضر شدند و گفتند همچنان بر تقاضای خود مبنی بر قصاص متهمان اصرار دارند. سپس «هوشنگ» متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد. او این بار به قتل اعتراف کرد و گفت: از این قتل و سرقت چیزی نصیب من نشد. ما می‌خواستیم پول به دست آوریم و به همین خاطر هم آن خودرو را به صورت درستی کرایه کردیم و او را به مکانی خلوت بردیم. حمید می‌خواست در برابر ما مقاومت کند و حاضر نبود ماشین را به ما بدهد. من و منوچهر با هم این قتل را انجام دادیم او دست و پای مقتول را گرفت و من هم حمید را کشتم و بعد ماشین او را به همراه منوچهر به سرقت بردیم و به یک مالخر دادیم اما هیچ پولی بابت این سرقت و قتل برای ما به دست نیامد. در ادامه منوچهر در جایگاه حاضر شد. او نیز اتهام خود را قبول کرد و گفت در این سرقت شریک پسرعمویش بود. بعد از اعترافات متهمان، هیات قضات شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند و متهم ردیف اول را به قصاص و ۷۴ ضربه شلاق و متهم ردیف دوم را به ۱۰ سال حبس و ۷۶ ضربه شلاق محکوم کردند.



- فیلمنامه: فرید مصطفوی . مدیر فیلمبرداری: حسین جعفریان
- تدوین: سپیده عبدالوهاب . صدا: بهروز معاونیان
- طراح صحنه و لباس: ژیا مهرجویی . چهره پردازی: مهرداد میرکیانی
- محصول: سازمان سینمایی ۷۹

